

عنعنات افغانستان را تباہ کرد!

خزان 1401

فُہماء
مرکز تحقیقاتی فُہماء

پایہ های این نشریہ

- پیدایش عرف و نقش خصال آدمی
- اشارہ بر عرف های مدرن
- راہ حل

اگر شما علاقه مند عضویت در فهماء باشید. با ما به تماس شوید.



۰۷۷۵۵۵۷۹۵۶

فهماء چیست؟

فهماء یک مرکز تحقیقاتی مستقل و غیر انتفاعی بوده که نشریه های خود را به صورت مجازی نشر میکند. این مرکز توسط فردی در سال ۱۴۰۱ ایجاد گردید.

انگیزه ایجاد این مرکز بعد از سال ها کار در نهاد های علمی و بودن در میان توده های مختلف جامعه به وجود آمد زمانی که دیده شد با وجود تحولات بزرگ در چند دهه اخیر هنوز افغانستان در آتش های مختلف نفاق، تعصب، عرف ناپسند، دشمنی و جهل میسوزد.

تفاوت نشریه های ما با دیگر مراکز در این است که فهماء تحقیقات اش را عملی میکند بنا کوچک اما حقیقی است. نه اینکه کتاب ها و رساله های زیادی نشر کند اما فقط روی صفحات و الماری ها باشد.

فهماء شعبه های مختلف و در حال گسترش دارد، از رهبری و جامعه تا خانواده و معارف و از امنیت تا اقتصاد، آنچه نیاز زمانی و حقیقت فراموش شده باشد را برای ملت خواهد رساند.

این مرکز کاملاً اسلامی بوده و متاثر از هیچ گروهی نیست. و آنچه در نشریه ها به نشر میرسد بعد از تحقیق و مشوره با مجموعه از متخصصین جوان این مملکت مرقوم خواهد شد.

ان شاءالله ...

صفحه	فهرست مطالب
صفحه اول	سرآغاز
صفحه دوم	و در اینجا افغانستان
صفحه چهارم	و مشکل در کجاست
صفحه پنجم	حل میشود ان شاءالله

شاه متن این نشریه

انسان ها زاده عادات خود اند که در صورت خالص نبودن دین اسلام در حیات شان به خطاء میروند. همین است که الله سبحانه اسلام را توسط پیامبران خود برای ما ارسال کرد تا انسان را از همه هوا های درون او نجات و به نحو رسالت حقیقی آن که خلافت در زمین است راهنمایی کند.

و کسانی که این امر را خوردی اندیشه فکر میکنند در حقیقت پدر پرستان اند.^۱

ب

1: وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَنْبَغُ مَا آلَفْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا^۱
أُولُو كَانِ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ (البقرة 170)

جمله آخر اشاره بر این آیت قرآنکریم است. زمانی که حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم مشرکین و کفار را به یکتا پرستی دعوت مینمود آنها عادات پدران شان را اولویت میدادند. ما امروز همچنان به شکل مدرن اش تماشاگر این جلوه پلید در میان مردم خود هستیم که سخن پدر اولی تر از سخن الله است. پدران ما همه قابل احترام است اما شریعت اولویت دارد.

سر آغاز...

به این سخن دقت کنید!

و بدی از همه خصال بآدمی نزدیکتر است، بویژه اگر خودسرانه در چراگاه عادات رها شود و از راه پیروی از دین به تهذیب خود نپردازد و بجز کسانی که خدا آنانرا کامیاب فرموده جماعت‌های بسیاری بر این سیرت اند. و از جمله خویهای که در میان بشر رواج دارد ستمگری و تجاوز بیکدیگر است، چنانکه دیدگان هر کس به کالایی برادرش بیفتد و بیدرنگ بدان دست درازی میکند. ستمگری از سرشت های بشر است و اگر کسی را بیایی که پاکدامن است بسببی ستمگری نمی کند.

کلمات ردیف شده بالا گرفته شده از کتاب مقدمه ابن خلدون جامعه شناس بزرگ جهان اسلام است. این پاره از کتاب برای ما درس بزرگی دارد و اشاره بر این که عنعنات از کجا پیدا میشود.

تمامی عنعنات موجود در میان مردم ها به اساس پهنه ذهنی و کیفیت زندگی شان بوده که از درون خود شان آغاز میگردد. در این آغاز آب و هوا، نوعیت خوراکی ها، حیوانات، زراعت، نزدیکی به قسمت های از تاریخ و هوای نفس آخرین حاکمان که بالادست مردم بوده است نقش کلیدی دارد.

سرشت انسانی همواره در پی ایجاد و نوآوری بوده که شهر نشین ها از این نعمت الهی در تجمل و راحتی نفس و بادیه نشین ها در ازدیاد منابع تمویلی شان استفاده میکنند. به همین منظور شما در شهر ها چراغ ها و زیبایی را در هر چیز ببیننده هستید. انسان های شهری برای یافتن جنس زیبا از نظر خود ساعت ها در بازار مصروف هستند تا طراحی لباس و پوش گوشی همراه مطابق خواسته شان باشد. دکان های مخصوص برای زیبایی موتر، خانه و حتی چهره ها وجود دارد این ها همه در ظاهر ما را زیبا و در حقیقت جواهر وجودی ما را سیاه و فرسوده میسازد.

عین موضوع در زندگی بادیه نشین ها است آنجا تجمل حضور پیدا نمی تواند اما گرایش ایجاد شده به مال و خاک در وجود انسان های بادیه نشین آغاز و انجام هر موضوع را با گوسفند و توتی های از زمین پیوند محکم میبخشد. از عقد نکاح تا قتل و هدیه ها.

بنأ ما هر آنچه‌ای که از باب عرف می‌شناسیم زاده افکار مردم ها بوده و در صورت پابندی بیش از حد بر این افکار روابط میان قوم ها سست شده و جامعه اسلامی ضعیف تر میگردد. چنانچه ما امروز شاهد هستیم.

افغانستان سرزمین کهنه است که چیزهای زیادی را تجربه نموده است. زمانهای طولانی را مردم این سرزمین بت و آتش پرست بوده و زمانه های چندین دور را تا امروز در اختلافات زندگی میکنند. ایدیولوژی های مختلف و خون های زیادی برای قدرت در این زمین جاری شده است.¹ که التیام زخم ها را برای مبارزین این سرزمین دشوار ساخته است.

اکثریت عنعنات موجود در افغانستان سبب شرک غیر آشکار در عقاید مردم شده و به همین سبب دشمنی ها و چالش های بزرگی را فراروی جوانان و مردم ایجاد نموده است. این چالش ها از روابط خانواده ها و مراسم ازدواج تا حکومت داری را در خود جا میدهد.

به طور نمونه عرس و مزار، شگون ها، لطیفه گوئی، غذاها، بیرق، مرکه و جرگه، اسطوره ها و افسانه ها، دشمنی ها، موسیقی، اتن، تعیین حدود برای دختران از عناوین مشهور رسم و رواج های افغانی است. هر کدام از این ها نیازمند بحث در رساله جداگانه بوده که این نشریه گنجایش آن را ندارد. اما تحقیقات ما نشان میدهد که هر کدام شان سبب یکی از مشکلات عمده اجتماعی برای ما است.

دین عزیز ما اسلام دین کامل بوده و ما برای حیاتی انسانی نیازمند هیچ قاعده و قانونی غیر کتاب الله و سنت پیامبر صلی علی علیه و آله و سلم نیستیم. مگر به این شرط که از همه اصول دین مبین اسلامی آگاهی صحیح و درست داشته باشیم.

[1- شهدا مقناطیس های بهشت اند!
این سرزمین با خون شهدای گلگون است که نام هر یک شان در آسمان ها زمزمه میگردد. هر جوانی که برای رضای رب خود با یکی از لشکرهای ظالم در این کشور جنگیده است نام او تاج عزت و سربلندی ما است.

ما منحیث افراد حاضر در جامعه شاهد مشکلات فراوانی به سبب همین جهالت های مروج هستیم. جوانان زیادی به سبب مصارف هنگفت نامزدی و عروسی از ادواج عقب مانده اند. این امر باعث ایجاد مفاصد اخلاقی زیادی در اجتماع میگردد. آیا شما میدانید که با هر عقد نکاح بیشتر از ۱۰۰ دختر و پسر از شر هوای درون خود نجات پیدا میکند؟^۱

نفس کشته شده اما متحرک یک طرف از موضوع است. زمانی که داستان های تقسیم میراث در یک خانواده بلند میشود یا دختری را به ازدواج میدهند به اساس عرف ریش سفید تر صاحب رای بیشتر است. نمی دانم از چه زمانی رنگ امتیاز برای تصمیم شده است. افرادی که در این ظلم قرار میگیرند سال ها احساس ظلم و شکست وجود شان را پر میکند. بعد از این احساس در صورت داشتن قدرت دست به عمل هم مانند کرده دشمنی ها آغاز میگردد یا هم شروع به انتشار نفرت و بدگویی از فرد میکند که حقا مهلک تر از قبل خواهد بود.

پابندی به عادات قومی و رأی بزرگان قوم عنصر حیاتی ملت ما که اتحاد است را سست نموده. این اتحاد با ازدواج ها بین قوم های بیگانه شروع و در همزیستی صاحبان حکومت استحکام پیدا میکند. که متأسفانه در این امر ناکام بودیم. و تا هنوز نتوانستیم اتحاد ملی که بر ستون های ثقافت اسلامی استوار باشد را ایجاد نماییم.
اما خواهد شد ان شاءالله

[۱- دختران و پسران زمانی که به بلوغ میرسند و تا زمانی که مجرد هستند چشم های زیادی طرف شان میباشد. نیم به هوس نیم به نیت ازدواج در هر حالت سبب وسوسه های ذهنی و تغییرات در حالت روحی فرد گردیده که جامعه با این چنین وسوسه ها به فلاح نخواهد رسید. اما زمانی که یک دختر یا پسر در جامعه منعقد به هم معرفی میشوند همه چشم های بیننده در مقابل شان تاریک از هوس میگردد.

و مشکل در کجاست؟

قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ¹

تمامی مشکلات موجود ناشی از عرف های باطل به خصوص عرف های مدرن و تقلید کورکورانه بیان گر جهل و عدم توجه به تمدن اسلامی است. زمانی که انسان فراموش میکند رب او کیست و دین او چیست دیگر به سبب خصال موجود در درون خود شروع به آراسته نمودن زندگی خود میکند. این آراسته نمودن برای انسانیت خیلی ها مهلک تمام خواهد شد در صورتی که آدمی دین الله سبحان را منهدم کامل و روشن برای تمامی زندگی خود قرار نداده باشد. اسلام فقط چند عبادت ویژه مخصوص مساجد نیست بلکه یگانه روش برای انتظام حیات بشری در روی زمین است.

1: بگو:
من دستور یافته ام که
الله را
مخلصانه و
در حالی
عبادت کنم
که دین و
عبادت را
ویژه ی او
می دانم.

سورة الزمر 11

الله متعال زمانی که حضرت آدم علیه السلام را می آفرید در لاهوت صحنه خاص و عظیمی آغاز گردیده بود. آنجا که جمله ملایک در تماشای احسن تقویم هستند. و سپس زوجیت و چیزهای که مخلوقات دیگر از معنی و کیف آن دور و با آن بیگانه هستند.² این موجود خلق میشود و سپس به بهشت میرود و سپس به زمین، کره با داستان های عجیب و قدیمی پر از رازها و قدرت های پروردگار که هنوز جمله چشم ها از دیدن آن عاجز بوده. این انسان با جمع از جنیات و ملایک به این ماموریت بزرگ فرستاده شده است. و هفت آسمان در تماشا و پر از داستان های این موجود است. اینجاست که خالق مدبر میدانند **باید کتابی باشد** تا هر تک قدم های این انسان را برایش یاد بدهد و او را در میان موج های دریا و بلندی های کوه ها راهنمایی کند. و حقا که چنین شد و چنین است. امروز انسان به تجارب و انرژی های از خود زمین برای زمین دست یافته است که جمله خلایق به حیرت رفته است.

شما به نقشه های مهندسی و ساختمانی ببینید یا به کود های برنامه سازی کامپیوتر که پر از هدایات و جزئیات هستند اما هر کس استفاده نمی تواند. مگر تعداد اندک که از آن استفاده میکند باعث اختراعات و ساخت و ساز های بزرگی میشوند.

قرآن عظیم الشان یک نقشه کامل و با جزئیات تمام برای بشریت است از همان قسمت های کوچک مانند راه رفتن و آب نوشیدن تا حکومت و استادی جهان. اما نیاز به فهم بلند و خالصانه دارد که عمل به فهم صحیح مزایای این نقشه را آشکار میکند. زمانی که ما فهم درست از این نقشه الهی برای خود نداشته باشیم دنیا با تمام داشته هایش تبدیل به جهنم بزرگی برای ما میشود که هیچ جنبنده برای ما رام اش کرده نمی تواند.

خو زندگی در صورتی که شناخته نشود تبدیل به حیوان وحشی میگردد که چیزی را به نام صاحب نمی شناسد و جز لگد زدن بی وقفه بر جبین و شکم ما کاری دیگر نخواهد کرد. بلی این اشاره بر سخنان درون صد هزار انسان متحرک در روی زمین است.

ادامه این جهل در شرایط که بشریت هر روز شاهد نوآوری ها است جامعه انسانی را به تباهی کشانیده است. به طور مثال تبدیل شدن همجنس بازی به یک سرگرمی و عرف مدرن همه کرامت انسانی را به گرداب کثیف انداخته است. و عرف کشور گشایی در ملت های وحشی چون روسیه و آمریکا قسمت های زیادی از زمین را پر از خون انسان ها نموده اند.

هر کدام از این چیز ها به نحوی یک عرف تحکیم شده در میان انسان ها است که در مقیاس های بزرگ سبب اسراف های بیش از حد و حیف شدن وقت انسان ها نیز میشود. در نمونه کوچک مراسم ازدواج که باید از صبح وقت تا ختم صبح بعدی را مصروف مراسم بوده و روز ها قبل از رسیدن زمان محفل عمر خود را باید در بازار ها سپری نماییم. و در مقیاس بزرگتر استدیوم های ورزشی و مسابقات جهانی که تبدیل به یک عرف مدرن شده است. میلیارد ها دانه از واحد های بزرگ پولی مروج برای سرگرمی جوانان به مصرف میرسد. تا چند لحظه شاد باشند و شرط بندی نمایند.

این ها همه و همه ته مانده های از عرف های ناپسند پسند شده در جامعه است. که حتی بهترین جوانان تحصیل کرده را نیز آغشته به خود کرده است. مثال زنده جام جهانی فوتبال در قطر است که همین اکنون جریان دارد. در این جام نزدیک به ۲۲۰ میلیارد دالر برای پذیرایی از مردم عیاش و برنامه های بیهوده به مصرف رسیده است و به چشم میلیون ها نفر مسلمان با آغاز توسط آیات قرآنکریم خاک پاشیده اند. این در حال است که تنها به ۲۰ فیصد این پول قطر میتوانست تمامی سیستم نظامی و تعلیمی افغانستان یا یکی دیگر از کشور های اسلامی را تامین نماید. اما خرج تجمل و هوای نفس گردید.

سخنی از امام ما حضرت علی رض به یادم آمد که به کف دست خود اشاره کرده و برای اصحاب گفت دنیا برای ما به همین اندازه کف دست ما است که هرگز به قلب ما داخل نمی شود.

بر خود بنگر فاصله ما با الگو های ما از کجا تا به کجاست؟

و هر چالشی را چاره ای است. آنچه ریشه در جهالت داشته و در میان مردم ریشه های عمیقی میدواند. تنها به وسیله حکومت و صاحبان تربیتگاه ها (مکاتب، دانشگاه ها و مدارس) قابل حل میباشد. اما حکومت نقش اساسی را در این عرصه داشته و موثر تر از همه وارد عمل میشود.

چون حکومت ها را لشکر های نظامی و قدرت اجرایی است و فرمان حاکم را بر دانا و نادان اعمال میتوانند مگر امامان و استادان فقط حرف شان را بر یک توده کوچک از مردم و دانش آموزان دارای فهم و حس اطاعت رسانده میتوانند و آنها بر خانواده ها تاثیر نداشته و فقط خود فرد و خانواده که قرار است او در آینده بسازد موثر خواهد بود.

این یعنی حکومت و استادان برنامه های علمی و عملی مشترک را برای اصلاح جامعه و شستن ته مانده های جاهلیت موجود از زمانه های دور شروع نمایند.

از نظر من در نظر داشتن خصال آدمی در موفق شدن این برنامه ها موفقیت بیشتر خواهد داشت. انسان ها به هر آنچه فردی که یکی از خواسته های شان را برآورده بسازد احترام و ارزش میدهند. بناً صاحبان حکومت و قدرت اهداف جامعه که به سبب عرف های پلید نارسیده اند را برای شان هدیه بدهند. اینگونه است که همه عاشق ارزش ها و خالص بودن دین میشوند.

و اگر این چنین نباشد ملت حکومت را همکاری نمی تواند و حکومت محبت ملت را بدست آورده نمی تواند تا اینکه جامعه پر از رنگ بی رنگی و نفرت شده و معنی زندگی برای همه گان گنگ و گم میگردد.

و الله سبحانه هر که را بخواهد هدایت میکند.
